

اخبار
وزیر فرهنگ به عهد خود برای تداوم انتشار آگهی‌های دولتی در نشریات وفا کرد
باز گشت امید به مطبوعات
 کتابخانه‌های دولتی در سراسر کشور، روز گذشته با انتشار آگهی‌های دولتی در نشریات و مجله‌ها، به تداوم فعالیت خود پرداخت. در این روز، نشریات و مجله‌ها با انتشار آگهی‌های دولتی، به تداوم فعالیت خود پرداختند. در این روز، نشریات و مجله‌ها با انتشار آگهی‌های دولتی، به تداوم فعالیت خود پرداختند.
با خاتمه مدت مجوز پنج‌ساله هیأت دولت برای تداوم انتشار آگهی‌های دولتی در نسخ چاپی مطبوعات، این مصوبه برای بار دوم تمدید شد.
با پیگیری معاونت امور رسانه‌ای و تبلیغات و توجه ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، برنامه زمان بندی ۵ ساله که به منظور استمرار فرایند چاپ آگهی‌های دولتی در روزنامه‌های کثیرالانتشار، در اصلاحیه «آئین‌نامه نحوه فعالیت دستگاه‌های دولتی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت» به تصویب هیأت وزیران رسیده و در اردیبهشت ماه جاری مهلت آن پایان یافته بود، روز گذشته با تصویب هیأت وزیران مجدداً تمدید شد.
طبق بند ۵ قانون اهداف و وظایف وزارت ارشاد، اجرای قوانین مربوط به مطبوعات و نشریات و تعیین ضوابط و مقررات مربوطه و تمرکز، توزیع و نشر انواع آگهی‌های دولتی و اجرای آن در داخل و خارج کشور، به‌عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.
با توجه به نقش آگهی‌های دولتی در اقتصاد رسانه‌های سراسری، منطقه‌ای، استانی و محلی، ادامه این فرآیند آثار مثبتی بر تداوم فعالیت نشریات خواهد داشت.
یکی از مطالبات اهالی رسانه تداوم انتشار آگهی‌های دولتی در نشریات بود که با پیگیری جدي معاونت امور رسانه ای و مدیر کل مطبوعات داخلی و همراهی وزیر فرهنگ و سایر دست اندرکاران این وزارتخانه محقق شد و بار دیگر امید به تداوم نشر و ارتقای کیفی مطبوعات را بوجود آورد.
هنرمندان نابینا آغازگر نمایشنامه خوانی آثار آیینی و عاشورایی
 دومین دور نمایشنامه خوانی‌های تماشاخانه سنگلج با موضوع نمایشنامه‌های آیینی و عاشورایی از سه شبه ۹ تیر آغاز می‌شود. به گزارش ایثنا به نقل از روابط عمومی تماشاخانه سنگلج، برنامه «ایرانی خوانی» روز سه شنبه ۹ تیر ماه میزبان هنرمندان نابینا و کم بینا به کارگردانی سایه همایی خواهد بود که نمایشنامه «شب و واقعه» نوشته محمد عارف را می‌خوانند.
این نمایشنامه که محمد عارف آن را در سال ۱۳۷۹ نوشته به سرنوشت خولی پس از بازگشت از کرپلا می‌پردازد.
این نمایشنامه خوانی کاری از گروه تئاتر آرشک به سرپرستی مجتبی گورخ‌های است که سایه همایی آن را کارگردانی می‌کند. معصومه دیبائیان نیز به عنوان دستیار کارگردان و منشی صحنه با این گروه همکاری می‌کند.
خوانش‌گران حسین رجب فردی (نقش خولی)، مریم قاسمی اقدم (نقش غزاله)، مینا دهقانلی (نقش حلیمه) هستند. سایه‌همایی نیز شرح صحنه را خواهد خواند.
نمایشنامه خوانی شب واقعه با همراهی نوازندگان سعید یوسفی و حمیدرضا فلاح نژاد اجرا میشود. دومین دور ایرانی خوانی سنگلج با حضور پنج نمایشنامه به قلم پنج نمایشنامه‌نویس از نسل‌های مختلف تئاتری طراحی شده است. ایرانی خوانی سنگلج سه شبه هر هفته ساعت ۱۷ در کافه تئاتر و سالن انتظار تماشاخانه سنگلج برگزار میشود.
این برنامه بلیت فروشی ندارد و حضور برای عموم علاقمندان آزاد و رایگان است.

مجری تلویزیونی که کفن به مهمانان هدیه می‌داد در برنامه ابوطالب حسینی گریه کرد و ناراحت از اینکه دیگران بهش گفته‌اند که او مرگ فروشی می‌کند، اما با این مظلوم نمایی سعی در پنهان کردن یک نکته اساسی دارد که ...

عصر ایران - ابوطالب حسینی در برنامه جدیدش میزبان امیر عضد، مجری صداسیما شد که پیش‌تر به خاطر یک اتفاق جنجالی در برنامه‌اش به اسم «جعبه سیاه» خبرساز شده بود. این مجری مدتی قبل با هدیه دادن کفن به مهمانان تلویزیون حاشیه ایجاد کرده بود، اتفاقی که در یکی از قسمت‌ها باعث ناراحتی برخی مهمانان و واکنش شدید هادی عامل شد.

حالا مجری تلویزیون در برنامه ابوطالب حسینی ناراحت است از اینکه دیگران بهش گفته‌اند که او مرگ فروشی می‌کند و حتی از این قضیه گریه‌اش می‌گیرد و می‌گوید: سیزده سال کارت را نمی‌بینند ولی این قضیه کفن رو برجسته کردن و میگوین این مرگ فروشی کرده

امیر عضد سیزده سال کار کرده، تلاش کرده، برنامه ساخته، و حالا مردم او را «مرگ‌فروش» می‌نامند. اشک در چشمانش جمع می‌شود و با لحنی که مرگ مظلومیت دارد می‌گوید کسی کارهای خوبش را نمی‌بیند، فقط همین یک اتفاق را بزرگ کرده‌اند. اما پیش از آنکه با او همدردی کنیم، باید یک سؤال ساده پرسیم: آقای عضد، شما در برنامه‌ای تلویزیونی به مهمانان زنده‌تان کفن هدیه دادید. از نظر شما این «کار خوب و متفاوت» چه بود، دقیقاً؟ بگذارید صادق باشیم. هدیه دادن کفن به یک انسان زنده، در فضای

تعزیه یکی از مهم‌ترین شکل‌های نمایش ایرانی است؛ هنری که در مرز میان آیین، موسیقی، روایت، نمایش و اسطوره شکل گرفته و برخلاف بسیاری از گونه‌های نمایشی جهان، از دل سنت‌های مذهبی و جمعی بیرون آمده است. تعزیه در معنای عام، بازنمایی واقعه کرپلا و شهادت امام حسین و یارانش است، اما در طول تاریخ خود به یک نظام پیچیده نمایشی تبدیل شده که در آن بازیگر، تماشاگر، موسیقی، حرکت، رنگ، لباس و فضای اجرا همگی در ساخت معنا نقش دارند.

به گزارش خبرآنلاین، تعزیه بیش از آنکه به بازسازی تاریخی یک واقعه محدود شود، نوعی زبان نمایشی است؛ زبانی که در آن زمان گذشته و حال هم‌زمان می‌شوند. تماشاگر تعزیه صرفاً شاهد یک داستان تاریخی نیست، بلکه در تجربه‌ای آیینی وارد می‌شود که مرز میان اجرا و باور را از میان برمی‌دارد. همین ویژگی است که باعث شده تعزیه برای بسیاری از پژوهشگران نمایش، نمونه‌ای کم‌نظیر از پیوند میان هنر و آیین باشد.

تکیه دولت؛ بزرگ‌ترین صحنه نمایش ایران در عصر قاجار

یکی از مهم‌ترین مکان‌های اجرای تعزیه در تاریخ ایران، «تکیه دولت» بود که در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شد. تکیه دولت نه فقط یک محل اجرای مراسم مذهبی، بلکه بزرگ‌ترین فضای نمایشی ایران در دوره قاجار به شمار می‌رفت. معماری دایره‌ای شکل آن، امکان دید همه‌جانبه تماشاگران را فراهم می‌کرد و از این جهت با بسیاری از اصول صحنه‌های مدرن نمایش شباهت داشت. تکیه دولت را می‌توان یکی از نخستین فضاهای حرفه‌ای نمایش در ایران دانست؛ جایی که تعزیه به اوج شکوه اجرایی خود رسید و تبدیل به یک هنر سازمان‌یافته شد. با ورود سینما به ایران، تعزیه به یکی از نخستین تجربه‌های نمایشی ایرانی تبدیل شد که توجه فیلمسازان و پژوهشگران را جلب کرد. بسیاری از سینماگران ایرانی دریافتند که در ساختار تعزیه عناصری وجود دارد که با زبان سینما ارتباط عمیقی پیدا می‌کند: میزانشن، حرکت بازیگر در فضای باز، استفاده از نشانه‌ها، تضاد رنگ‌ها، روایت غیرخطی و ترکیب واقعیت و خیال.

فرخ غفاری و نخستین نگاه پژوهشی به تعزیه

یکی از نخستین کسانی که به شکل جدی به مطالعه تعزیه پرداخت، فرخ غفاری بود. غفاری که از چهره‌های مهم جریان روشنفکری سینمای ایران محسوب می‌شود، همراه با مایل یکتاش کتابی درباره تعزیه نوشت و تلاش کرد این هنر را نه صرفاً به عنوان یک مراسم مذهبی، بلکه به عنوان یک شکل نمایشی مستقل بررسی کند. اهمیت نگاه غفاری در این بود که تعزیه را در کنار دیگر سنت‌های نمایشی جهان قرار می‌داد و به جنبه‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی آن توجه می‌کرد.

بهرام بیضایی نیز از مهم‌ترین هنرمندانی بود که به تعزیه نگاه پژوهشی و هنری داشت. بیضایی سال‌ها درباره نمایش ایرانی تحقیق کرد و در کتاب‌ها و نوشته‌هایش به جایگاه تعزیه در تاریخ نمایش ایران پرداخت. تأثیر تعزیه را حتی می‌توان در برخی میزانشن‌های آثار او دید؛ جایی که شکل

حرکت بازیگران و سازمان‌دهی صحنه به ساختارهای آیینی نزدیک می‌شود. استفاده از فضاهای دایره‌ای، حضور جمعی بازیگران و تأکید بر مواجهه مستقیم اجراکننده و مخاطب، یادآور همان منطق نمایشی تعزیه است.

تعزیه برای بیضایی فقط یک موضوع تاریخی نبود؛ الگویی بود برای فهم امکان‌های نمایش ایرانی. او برخلاف کسانی که تعزیه را صرفاً یک نمایش مذهبی سنتی می‌دیدند، آن را دارای ظرفیت‌های مدرن می‌دانست؛ ظرفیتی که می‌توانست در برابر الگوهای غالب تئاتر غربی، یک فرم مستقل ایرانی پیشنه‌دادد.

«تمرین آخر»؛ نگاه ناصر تقوایی به تعزیه

در دهه‌های پیش از انقلاب، جشن هنر شیراز نیز نقش مهمی در توجه دوباره به تعزیه داشت. در این جشنواره، برخی هنرمندان و سینماگران به اجرای تعزیه پرداختند و برخی دیگر این اجراها را ثبت کردند. جشن هنر شیراز تبدیل به محلی شد که تعزیه در کنار هنرهای مدرن جهان قرار گرفت و نگاه تازه‌ای به آن شکل گرفت؛ نگاهی که آن را نه یک سنت فراموش‌شده، بلکه یک میراث زنده نمایشی معرفی می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های پیوند مستقیم سینما و تعزیه، فیلم «تمرین آخر: تعزیه حر دلاور» ساخته ناصر تقوایی است. تقوایی در این مستند به جای آنکه صرفاً یک اجرای کامل تعزیه را ثبت کند، به فرآیند شکل‌گیری آن می‌پردازد؛ یعنی

از فرخ غفاری تا بیضایی؛ تعزیه به روایت سینما

تعزیه در نگاه روشنفکران سینمای ایران

تعزیه در ایران تنها یک آیین مذهبی یا بازنمایی تاریخی نیست، بلکه زبانی نمایشی است که در آن مرز میان گذشته و اکنون از میان برداشته می‌شود. این هنر آیینی از «تکیه دولت» قاجار تا نگاه سینماگران و مستندسازان معاصر، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های الهام برای فهم نمایش ایرانی و حتی زبان سینما مطرح بوده است.



تعزیه بیش از آنکه به بازسازی تاریخی یک واقعه محدود شود، نوعی زبان نمایشی است؛ زبانی که در آن زمان گذشته و حال هم‌زمان می‌شوند

شیوه بازی و سنت‌های محلی تأثیر می‌گیرد. این نگاه مستند، تعزیه را نه یک پدیده ثابت، بلکه هنری زنده و در حال تغییر نشان می‌دهد. اگرچه سینمای داستانی ایران کمتر به شکل مستقیم سراغ تعزیه رفته است، اما اثر آن در بسیاری از فیلم‌ها دیده می‌شود. بسیاری از فیلمسازان ایرانی از ساختارهای تعزیه‌ای مانند تقابل خیر و شر، حضور جمع، روایت شهادت، بازگشت به گذشته و استفاده نمادین از رنگ و لباس بهره برده‌اند. حتی در برخی فیلم‌های دفاع مقدس نیز می‌توان ردپای منطق تعزیه را دید؛ جایی که شهادت، قهرمان‌سازی و مواجهه اخلاقی میان شخصیت‌ها به مرکز روایت تبدیل می‌شود.

تعزیه برای سینمای ایران فقط یک موضوع تاریخی نیست؛ یک امکان زیبایی‌شناختی است. سینمایی که همواره در جست‌وجوی هویت ایرانی بوده، نمی‌تواند از این میراث نمایشی عظیم عبور کند. تعزیه به سینما یادآوری می‌کند که تصویر فقط ثبت واقعیت نیست، بلکه می‌تواند آیین، خاطره، اسطوره و احساس جمعی را نیز در خود جای دهد.

از تکیه دولت قاجار تا دوربین‌های مستندسازان معاصر، تعزیه مسیری طولانی پیموده است؛ مسیری که نشان می‌دهد یک هنر سنتی چگونه می‌تواند در مواجهه با رسانه‌ای مدرن مانند سینما دوباره معنا پیدا کند. شاید‌راز ماندگاری تعزیه همین باشد: توانایی آن برای روایت دوباره یک داستان قدیمی با زبان هر دوره.

نیست»

در شاخه تهیه‌کنندگان: نگار اسکندرفر برای «جنایت بی‌دقت»، «جدایی نادر از سیمین» در شاخه صدا: عبدالرضا حیدری برای «یک تصادف ساده»، «آیات زمینی» و عبدالرضا حیدری برای «یک تصادف ساده»، «آیه‌های زمینی»

در شاخه نویسندگی: علیرضا خاتمی برای «چیزهایی که می‌کشی» و «آیه‌های زمینی»، شادمهر راستین برای «یک تصادف ساده» و «به همین سادگی» و نادر ساعی‌ور برای «یک تصادف ساده» و «شاهد»

در شاخه بازیگری: دیوید دستمالچیان بازیگر ایرانی تبار «اونپه‌ایمر»، «تل‌ماسه»

در شاخه مدیران اجرایی: شری شیرازی

کادمی اسکار اعلام کرده است که عضویت در این نهاد تنها از طریق دعوت انجام می‌شود و نامزدهای اسکار به‌طور خودکار برای عضویت مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حالی که سایر افراد پس از ارزیابی و تأیید شاخه‌های تخصصی، کمیته عضویت و هیئت رئیسه آکادمی به این فهرست راه می‌یابند.

دعوت از این ۱۲ سینماگر ایرانی و ایرانی‌تبار، یکی از پرنرگ‌ترین حضورهای سینمای ایران در فهرست اعضای جدید آکادمی طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود و می‌تواند بر میزان مشارکت سینماگران ایرانی در فرآیند رای‌گیری مهم‌ترین جایزه سینمایی جهان بیفزاید.

فرهنگ و هنر

خبر

معرفی نامزدهای ایرانی جایزه «آسترید لیندگرن»



شورای کتاب کودک « آتوسا صالحی» را در بخش نویسندگان و «هدا حدادی» را در بخش تصویرگران به عنوان نامزدهای جایزه یادبود آسترید لیندگرن (الما) ۲۰۲۷ معرفی کرد.

شورای کتاب کودک « آتوسا صالحی» را در بخش نویسندگان و «هدا حدادی» را در بخش تصویرگران به عنوان نامزدهای جایزه یادبود آسترید لیندگرن (الما) ۲۰۲۷ معرفی کرد.

به گزارش ایسنا، در بخش نویسندگان «آتوسا صالحی» از سوی شورای کتاب کودک برای دریافت جایزه آسترید لیندگرن (الما) ۲۰۲۷ نامزد شده است.

این شورا درباره انتخاب آتوسا صالحی نوشته است: «او با فعالیتی مستمر و متنوع در گونه‌های مختلف ادبیات، بازآفرینی خلاق متون کهن، نوشتن داستان و فیلمنامه، سرودن شعر، فعالیت در مجلات تخصصی کودک و نوجوان، ترجمه و ویراستاری، باشگاه‌های کتاب‌خوانی، کلاس‌های آموزشی و برنامه‌های رادیویی، و ترویج کتاب کارنامه‌ای پرپرا دارد.

در آثار او، اسطوره‌ها صرفاً میراثی فرهنگی نیستند؛ بلکه بستری برای طرح پرسش‌های بنیادین اخلاقی، اجتماعی و هویتی است و مفاهیمی مانند قدرت، انتخاب، سرنوشت و تقابل خیر و شر را با مسائل نوجوان امروز درآمیخته می‌سازد.

او با آفرین فرم و خلق صداهای تازه در دل متونی است که معمولاً از نگاه رسمی، اسطوره‌ای و مردانه روایت شده‌اند، با زاویه‌بدهای متنوع به بازتاب تجربه‌های انسانی پیچیده در دل ساختار حماسی پرداخته است. زبان آثار صالحی واجد توازنی کم‌نظیر میان سادگی روایی و عمق معناست، بدون فروکاستن از پیچیدگی‌های متون کلاسیک. تجربه زیسته او در تعامل مستقیم با نوجوانان و درک عمیق او از این جهان، به او امکان داده تا آثارش متناسب با نیازهای شناختی، هویتی و عاطفی نوجوانان باشد. او ادبیات را نه صرفاً بر بستر کتاب، بلکه در ساحت‌های مختلف فرهنگی می‌گستراند و به کودک امکان مواجهه چندلایه با داستان را می‌دهد.»

در بخش تصویرگران «هدا حدادی»، نویسنده و تصویرگر، برای بار دوم به عنوان نامزد جایزه آسترید لیندگرن (الما) ۲۰۲۷ از طرف شورای کتاب کودک معرفی می‌شود؛ شورا درباره انتخاب هدا حدادی معتقد است: «حدادی بیش از سه دهه در حوزه تصویرگری ایران فعالیت داشته است. نقش تاثیرگذار او در تصویرگری، خلق آثار متنوع، زنانه، طبیعت‌گرایانه، شاعرانه و صلح‌جو که متأثر از فرهنگ و هنر ایرانی است، از دلایل انتخاب ایشان است. او با سبک شخصی‌اش و با بهره‌گیری ماهرانه از تکنیک کلاژ، تصاویری زیبا، لطیف، خلاقانه و منحصرفرد خلق می‌کند. حدادی سال‌هاست در حوزه تصویرگری، نویسندگی و تدریس فعالیت دارد. نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی و کسب جوایز متعدد بین‌المللی در حوزه تصویرگری از دیگر دلایل انتخاب ایشان برای نامزدی جایزه آلماست.»

جایزه یادبود آسترید لیندگرن(الما)، به مناسبت بزرگداشت نویسنده محبوب سوئدی و یکی از پرطرفدارترین نویسندگان جهان از سال ۲۰۰۲ توسط دولت سوئد بنیان نهاده شده است. جایزه نقدی آلما به مقدار ۵ میلیون کرون سوئد، به عنوان بزرگ‌ترین و گران‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات، پس از جایزه هانس کریستین آندرسن در جهان مطرح است.

جایزه آلما، یک جایزه ادبی است که نه‌تنها به نویسندگان و تصویرگران اهدا می‌شود، بلکه قصه‌گوین، مروجان و نهادهای حوزه ادبیات کودکان و ترویج کتابخوانی نیز می‌توانند به آن دست یابند.

این جایزه سالیانه به یک یا بیش از یک هنرمند می‌رود و ... صرف نظر از زبان و ملیت آن‌ها اعطا می‌شود. آثار این هنرمندان باید دارای کیفیت بالایی هنری و ارزش‌های انسانی‌ای باشند که آسترید لیندگرن به آن‌ها باور داشت.

در حال حاضر، شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان چهار نهاد ایرانی هستند که امتیاز معرفی نامزد برای دریافت این جایزه را دارا هستند.

اون روز که جیک جیک مستنوت بود، یاد زمستونت نبود؟

آقای مجری؛ مظلوم نمایی نکن



اوست. رویارویی با این ایده‌ی عجیب را برای دیده شدن انتخاب کرد، اما آنگونه که می‌خواست دیده نشد.

شکایت از مردم و رسانه آسان است. پذیرفتن اینکه خود برنامه‌ساز مسئول واکنشی است که دریافت کرده، دشوارتر است. اگر واقعاً می‌خواهی از کسی شاکی باشی، آقای امیر عضد، آینه را پیش از دوربین نگاه کن.

از قدیم گفتن: اون روز که جیک جیک مستنوت بود یاد زمستونت نبود؟